



هفته نامه سیاسی، اجتماعی، ادبی دانشگاه سیستان و بلوچستان

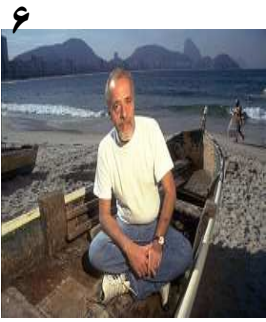
دوشنبه ۲ دی - سال اول - شماره اول - قیمت ۱۰۰ تومان



اقسام دانشجو (طنز)



اصدر زندهاد فیلم بازرگر کنهرا



" پانولو کونیویدو "

دانشجو ، نه دانشجو

دانشجوها، اومدن شهر مونو خراب کردن، ای بابا، شما که خوشین، پول دارین! دنیا به کا متونه! اینها حرفاییه که هر روز خیلی از ما می شنویم، به خودم می گم بی خیال شو، تموم دیگه، داری میری... ولی خدایش نمی توئم بی خیال باشم، حس می کنم باید واسه اعتقادم بجنگم، حتی اگه نتوئم چیزی رو عوض کنم لااقل دلمو خالی کنم!

یه جوروی نیگامون می کنن انگاری همین الان از چوبه دار پایین اومدیم، نمی دونم لباس جین یا فلان تیپ، چه ربطی به ذات آدم داره، اگه هم داره مگه شما مسئول حسابرسی ما هستین؟ یه خورده به خودتون برسین، می دونم به درجه عرفان رسیدین!! می

دونم این مائیم که از راه به دریم!

از چند هزار آدمی که به اسم دانشجو اینجا اومدن، باید چند صد تا شون هم با بقیه فرق کنن و اصلاً جویای دانش نباشن و اهداف دیگه ای داشته باشن، این مشخصه طبیعی یه گروه بزرگه! البته جدا از همه ی اینها بین مردم هم نگاه ها فرق می کنه، ما با سه جور نگاه سرو کار داریم، یه نگاه بی تفاوت و دو دسته دیگه، دسته اول می گن: اینجا، منظور شهرشون دارالمومنین بود و هر مشکلی

باشه، گردن دانشجوهاست. اما دسته دوم خیلی زرنگ تر از دسته اولن، اینا به فکر جیبشون هستن، خوبم پول در می یارن. واسه دانشجو ها، قیمت ها شون می ره بالا. فروشگاه یا مغازشون رو به یه منشی معمولاً خانم می سپارن، مٹ دانشجوها تیپ می زنن، سعی می کنن لهجشونو متحول کنن در حدی که بعد از دوازده دقیقه حرف زدن سر درد می گیرن، خلاصه با کلی ادا و اصول ، هندونه زیر بغل دانشجو ها می دارن که کاسبی کنن، همیشه هم

سعی می کنن دسته اول را متهم کنن به بی فرهنگی و عقب موندگی. به هر حال دانشگاه برای همه یه جور دیگه ای جا افتاده، یکی از همین مردم که از



قضا دانشجو هم هست می گه : وقتی اومدم دانشگاه خیلی واسم سخت بود سلام علیک دوتا همکلاسی روببینم ، کم کم دیدم که نه بابا هیچ خبری نیست. وقتی می خواستم اینو واسه خانواده جا بندازم، همه بهم گفتن : آره، تو خودتو گم کردی!! حالا شما حساب کنید دانشجویی که از این مردم نیست، چی می کشه؟

یه دختر دانشجو مگه حق نداره با دوستاش بره بیرون ؟ ... (ادامه در صفحه ۲)

" سخن سرویسر "

همتتم بدرقه راه کن اس طایر قدس

که دراز است ره مقصد و من نو سفرم

خدای باری تعالی را شاکریم که منت بسیار نهاد تا بتوانیم در اولین گام از طریق نشریه دانشجویی « مانا » در خدمت همه دانشجویان عزیز باشیم و به نحوی شایسته وظیفه ی انتقال دیدگاه ها و خواسته های این جامعه آگاه را بر عهده بگیریم.

بدیهی است که در طی این طریق گام های استوارمان را بر زمین تلاش خاضعانه ی باران نهاده ایم و به امید رسیدن به هدف اصلی مان : " نشان دادن جایگاه رفیع علم و علم آموزی و شان و منزلت دانشجویی، این سهام دار اصلی عرصه علم"، لحظه ای از کار غافل نخواهیم شد.

لذا اینجانب به حکم وظیفه، رنج صادقانه دوستانی را که ما را در نگارش اولین شماره این نشریه همراهی کردندند پاس نهاده و از درگاه ایزد منان ، توفیق بیکران و خیر فراوان برایشان آرزومندم.

در پایان اضافه می نمایم که این جمع لطیف ، چشم یاری به قلم و اندیشه پر بار شما دوستانی دوخته است که ضامن بقا و استمرار این جنبش پوینده اید .

ملک اندیشه تان آباد، مانا و سر بلند باشید.

با سرویس رایگان درب منزل و محل کار

پیتزا کافه شاپ

انواع پیتزا و ساندویچ / نوشیدنی سرد و گرم



۲۴۳۸۲۳۵

تلفن :

دالیا



خیابان دانشگاه / نبش دانشگاه ۳

ارتقاء مرکز آموزش عالی ابرانشهر به مجتمع آموزش عالی

دبیر شورای گسترش آموزش عالی از ارتقاء مرکز آموزش عالی ابرانشهر به مجتمع آموزش عالی و موافقت اصولی با ارتقاء آن به دانشگاه خبر داد. رجبعلی برزویی در گفتگو با خبرنگار مهر با بیان این خبر افزود: بیش از ۱۰ سال از راه اندازی مرکز آموزش عالی ابرانشهر می گذرد و با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از مردم استان سیستان و بلوچستان در آنجا زندگی می کنند وجود یک دانشگاه در این منطقه می تواند تاثیرات بسیار خوبی در ارتقاء علمی و فرهنگی منطقه داشته باشد.

نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی و فناوری استان سیستان و بلوچستان افتتاح شد.

نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی و فناوری استان صبح روز دوشنبه مورخ ۸۶/۹/۲۵ با حضور مسؤولین استان و رؤسای مراکز آموزش عالی و ادارات و سازمان های دولتی استان در دانشگاه سیستان و بلوچستان افتتاح گردید. دکتر احمد اکبری رئیس دانشگاه سیستان و بلوچستان و دبیر ستاد هفته ی پژوهش و فناوری استان ضمن تشکر و قدردانی از پژوهشگران استان گفت: پژوهش و فناوری نقش حائز اهمیتی را در نیل به اهداف چشم انداز بیست ساله ایران ایفا می کند. وی در خصوص برنامه های هفته پژوهش گفت: در طول این هفته نمایشگاه ها، کارگاه ها و سخنرانی هایی با موضوعات متنوع برگزار خواهد شد. وی در ادامه از افتتاح بوسنتان پژوهش و فناوری، مرکز رشد فناوری نجوم و IT و همچنین تجلیل از پژوهشگران برتر استان خبر داد.

پایان مسابقات فوتسال دانشجویی "جام اندیشه"

این مسابقات که به همت بسیج دانشجویی دانشگاه سیستان و بلوچستان به انجام رسید، هفته گذشته با شناخت تیمهای برتر به کار خود پایان داد. در روز نهایی این مسابقات که با حضور مسئولین دانشگاهی و بسیج استان برگزار شد، ابتدا در دیدار رده بندی تیم ایست با نتیجه ۳ بر ۰ مقابل تیم شهید عالی به پیروزی رسید. و در فینال این مسابقات، دو تیم فیروزه و پایگاه شهید طباطبایی رو در رو هم قرار گرفتند و پس از اینکه دو تیم در وقت قانونی به تساوی ۳، ۳ رضایت دادند، در ضربات پنالتی این تیم فیروزه بود که توانست دیدار را به صعود خود به انجام رساند. در پایان این مسابقات تیمهای فیروزه، پایگاه شهید طباطبایی، ایست و شهید عالی به ترتیب مقام های اول تا چهارم را از آن خود کردند. همچنین کاپ اخلاق این مسابقات به تیم ایست اهدا شد.

گروبی خطاب به دانشجویان: فعالیت های سیاسی نان را در قالب تشکیلات و احزاب پی گیری کنید

دبیر کل حزب اعتماد ملی در خصوص تاسیس حزب اعتماد ملی گفت: من با بیش از چهاردهه فعالیت سیاسی چه قبل و چه بعد از انقلاب به این نتیجه رسیده ام کسی که بخواهد کار سیاسی بکند باید به صورت تشکیلاتی و حزبی عمل نماید، لذا به عنوان یک پدر به شما عزیزان توصیه می کنم که فعالیت سیاسی خود را بصورت تشکیلاتی انجام دهید. ما به علت عدم کار حزبی و تشکیلاتی به راحتی قدرت را در سه مرحله به رقیب تحویل دادیم. شما بروید حرفهای اصلاح طلبان را در آن مقطع بخواهید حرف های بزرگ، غیر عملی و سنسجیده زدند و ... اوضاع را به وضعیت فعلی رساندند. لذا به شما دانشجویان توصیه می کنم که فعالیت سیاسی خود را در قالب تشکیلات و احزاب پی گیری کنید.

پرونده ی سه دانشجوی دانشگاه امیر کبیر به شعبه ی ۴۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران جهت رسیدگی ارجاع شد.

به گزارش خبرنگار حقوقی ایسنا، پرونده ی مجید توکلی، احمد قصابان و احسان منصوری با اتهام اقدام علیه امنیت ملی که پیش از این از سوی شعبه ی ششم دادگاه انقلاب، رسیدگی و محکومیت حبس آنها صادر شده بود، پس از تجدیدنظر خواهی، برای رسیدگی به شعبه ی ۴۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران ارجاع شد. مجید توکلی، احمد قصابان و احسان منصوری از سوی دادگاه انقلاب به ۲/۵، ۲ و ۲ سال حبس تعزیری محکوم شده اند.

وکیل مدافع این دانشجویان نیز در گفت وگو با ایسنا از تعیین وثیقه ۸۰ میلیون تومانی برای هر یک از موکلانش از سوی دادگاه انقلاب خبر داد و گفت که برای تامین این مبلغ و فراهم کردن زمینه آزادی موکلان در تلاش است. این دانشجویان در نخستین پرونده، مطابق با اعلام نظر قضایی توسط شعبه ی ۱۰۴۳ دادگاه عمومی تهران از اتهام توهین به مقدسات برائت حاصل کرده اند ولی در خصوص ردیف اتهامی با عنوان نشر اکاذیب علیه نیروهای بسیج دانشجویی دانشگاه امیر کبیر و نیروهای امنیتی هر یک به چهار ماه حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم شده اند.

عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز: حجاب تحریک کننده زنان خارجی ها را هم متعجب کرده!

آفتاب: عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز ضمن دفاع از ادامه طرح امنیت اجتماعی و عملکرد نیروی

انتظامی در این طرح گفت: پوشش، لباس و ظاهر خانم ها در تابستان و زمستان، مناسب با معیارهای قرآن، حدیث و ائمه نیست، پوشش مناسب یعنی پوشاندن تمام بدن غیر از گردی صورت.

سیدرضا اکرمی در گفت وگو با خبرنگار سیاسی آفتاب افزود: ظاهر بانوان جامعه، مناسب نیست و تحریک کننده هم محسوب می شود و حتی موجب شگفتی خارجی ها هم شده که خانم ها در یک کشور اسلامی، چرا این گونه لباس می پوشند.

اکرمی افزود: باید از دانشگاه ها، آموزش و پرورش، اداره ها و غیره آغاز کرد تا به مطلوب برسیم.

وی با بیان اینکه «در جامعه ما افکار عمومی دارای نظر و ایده های مختلفی هستند»، گفت: یک موضوع، عده ای مخالف و عده ای موافق دارد و بین سران مملکت، دولتیان، روحانیان و مردم اختلاف نظر موجود است اما به اعتقاد من، امنیت روحی و روانی خانواده و جامعه باید مورد اهتمام و اعتقاد همه مسئولین کشور از جمله قوه مجریه و نیروی انتظامی قرار گیرد.

رکورد بدهی های خارجی ایران شکسته شد!

آفتاب: اکونومیست اعلام کرد: بدهی های خارجی ایران امسال به بالاترین میزان طی دهه کنونی رسیده و تا سال ۱۳۹۱ اندکی کمتر از چهار میلیارد دلار کاهش می یابد. واحد اطلاعات اقتصادی اکونومیست در گزارش ماه دسامبر ۲۰۰۷ خود مجموع بدهی های خارجی ایران در سال ۸۵ را ۱۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار برآورد و پیش بینی کرد که این میزان در سال جاری با ۴۰۰ میلیون دلار افزایش به ۱۴ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار (۴.۵ درصد تولید ناخالص داخلی) برسد که طی دهه کنونی بالاترین میزان بوده و خواهد بود.

این گزارش می افزاید: انتظار می رود در سال ۸۷ بدهی های خارجی به ۱۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار و در سال ۸۸ به ۱۱ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار کاهش یابد که به ترتیب ۴.۴ و ۷.۳ درصد تولید ناخالص داخلی خواهد بود.

وب سایت فارسی پائولو کونلیو به روز رسانی شد

بخش فارسی وب سایت رسمی پائولو کونلیو به روز رسانی شد و دامنه <http://www.paulocoelho.ir> به آن اختصاص یافت. با مراجعه به این وب سایت، تمامی اطلاعاتی را که درباره این نویسنده یا کتاب های او می خواهید، یافت می شود و همچنین می توانید برای او پیام بگذارید. بخشی به نام دانلود رایگان نیز برای این وب سایت در نظر گرفته شده است و انجمنی رسمی برای طرفداران فارسی زبان او تاسیس شده است.

ادامه از صفحه اول

... راننده ها رو که نگو..! تا آینه ای اضافی واسه ماشین می دارن واسه دید زدن. بوی ژل، ادکلن، روغن و بنزین با بوی عرق تشنوش آنچنان قاطی شده که حال آدم بهم میخوره. انواع آهنگهای مثلاً به روز که بعضاً "یا التماس می کنه یا امون میخوان" و البته از همه شون رایج تر هم ترانه های هندی!!!!.....صدای ایتس ایتس، شیشه های ماشین رو چنان می لرزونه انگار راننده واسه مسافر پارتی گرفته. باورکنین اگه بخوام یه سر با رفقام برم تفریح، یاهر جای دیگه، توی دوساعت بیست تا مشکل واسمون پیش میاد، نبش دانشگاه ۱۵ و ۱۷ و گاهی هم ۳ رو که مجبوریم از اونور خیابون رد شیم! وای به حال جاهای دیگه ی شهر و... بماند. حالا فکرشو بکنین توی این موقعیت دخترا چی می کنش؟ فکر می کنن چون دانشجویی، بچه سوسولی، یه آدم کتک خوری! ای آقا یکی نیست بگه مگه عصر چوب و چماقه و شمشیره؟

چی بگم...؟ حرفها خیلی بیشتر از اینهاست! دانشجو چه تقصیری داره؟ وقتی چند هزار آدم جور واجور رو از چهار گوشه ی ایران با فرهنگهای مختلف یه جا جمع می کنین درس بخونن که البته درس خوندن یکی از وظایفشونه، مگه می شه همشونو تو یه قالب بذاری و یه دست کنی؟ یکی نیست بگه: بخدا این کار (آوردن این همه دانشجو با فرهنگ جور واجور) یه زمینه ی فرهنگی عمیق می خواد، نمی دونم وظیفه ی کیه این مشکل رو حل کنه؟! شاید همون کسایی که می خوان آمار دانشجو و درآمدشون رو بالا بپرن و بعد هم همه چی تمام. من که دلم لک زده یه روز مردم بکن:

« حیف اون درسی که تو خوندی »

« حیف اون درسی که تو خوندی... این جمله را شاید زیاد شنیده باشید. انگار هرکسی رفت دانشگاه، توقع اطرافیان از او بیشتر می شود: باید مؤدبتر شود، باشعورتر، با معلومات تر... . بابا! توی دانشگاه درس زندگی که نمی دهند، گیرم دو واحد اخلاق که آن هم درس عمومی است، فقط هم گذاشته اند معدلمان بره بالا، پاس کردیم، آن هم با نمره بیست، که چی؟ هیچی... باز هم همان آش و همان کاسه.

کافیست به اطرافت یک نگاه دقیق بندازی. این آدمها همگی از زرنگ و تتیل چند سالی مهمان دانشگاه اند، مدرکی می گیرند و می روند سی زندگی خودشان. اما این مدرک صرفاً نشان می دهد یک سری واحد پاس شده و چند سالی زندگی آدم پشت نیمکت ها و صندلی های دانشگاه گذشته، همین. من که باور دارم مدرک به خودی خود شعور نمی آورد. قصد توهمین ندارم، ولی خیلی ها را دیده ام با مدارک بالای تحصیلی که شعور اجتماعی شان، صفر که چه عرض کنم، زیر صفر بوده. حتی بلد نبودند جز خودشان به کسی بها بدهند و برایش مایه بگذارند. کسانی که آمده بودند مدرکی بگیرند تا پیش را بدهند، تا از دست خانواده شان راحت بشوند، تا همسر مناسبی بیابند، تا شغل بهتری پیدا کنند؛ خلاصه همه چی جز این که بهتر بشوند. به آن چیزهایی هم که می خواستند رسیدند، ولی هیچ احساس دینی نسبت به جامعه ای که شرایط تحصیل شان را فراهم کرده، نداشته و ندارند.

خیلی هایشان خودشان را گم کردند، فکر کردند چه خبر است، شاخ غول را شکسته اند و همه دنیا تا ابد به آنها مدیون است. هر کاری دلشان خواست، می توانند بکنند و همه چیز را هم بیشتر از بقیه می فهمند. یک مشت بی فرهنگ بامدرک اند که من به شخصه دلم نمی خواهد بچه هایم یا دوستانم هرگز زیر دست شان بزرگ بشوند و یا کار کنند.

دانشجو بودن مرام می خواهد. یک چیزی باید از درون خودت بجوشد، باید احساس کنی هرکسی بیشتر بداند مسؤولیتش بزرگتر است و باید پاسخگو باشد، به خدا و به بنده های خدا. باید هر روزش با روز قبل فرق کند، باید خودش را بسازد، باید الگوی خیلی هایی باشد که به او به عنوان نماینده قشر تحصیل کرده یک مملکت نگاه می کنند. باید بخواهد مفید باشد، نمونه باشد، بخواهد در ساختن فردای بهتر برای خودش و دیگران سهمی به عهده بگیرد، باید بخواهد. هیچکس نمی تواند ما را مجبور کند آدم شویم، حتی اگر به زور بفرستمان به بهترین دانشگاه دنیا. به قول معروف «عالم شدن چه آسان، آدم شدن چه مشکل».

بخواهیم خوب باشیم، مهربان باشیم، درد جامعه را بفهمیم، آدم ها را از لباس و مدرک شان قضاوت نکنیم، بخواهیم با قلب و حق و ناحق کردن به آرزوهایمان برسیم. نامرد نباشیم، بی معرفت، از خود راضی، خودبین و خودخواه هم نباشیم.

بدانیم کجاییم، به کجا باید برسیم و چه وظیفه ای در برابر خودمان، خدا و مردم داریم. فکر کنیم. زحمت بکشیم. هر چه علم مان بیشتر می شود، تواضعمان را زیادتر کنیم. هر چه بیشتر به ما احترام می گذارند، به بقیه بیشتر برسیم. پرفسورترین آدم ها هم اگر تنها بمانند، با همه علم و کاردانی اش نمی تواند احساس خوشبختی کند.

خوب باشیم؛ یک دانشجوی خوب، یک تحصیلکرده خوب، یک شهروند خوب. می بینیم که دنیا چطور بهشت می شود.

قدم می زند تا جنس خود را بخرد. او در تکاپوی انتخاب است، همه چیز را امتحان می کند شاید از همه چیز خوشش بیاید و شاید هیچ تفکری را نپسندد.

اما همانطور که خریدار، بهترین و با دوام ترین جنس را می خواهد دانشجو نیز بهترین تفکر و عاقلانه ترین

استراتژی را می طلبد او قدم می زند و انتخاب می کند. گاهی برای مدتی کوتاه تفکری را می خرد و گاهی در آستانه ی انتخاب یک استراتژی باز می ماند و انتخاب هر یک بستگی دارد به اینکه، کدام بهترین است و این دانشگاه و محیط پویای آن است که این فرصت انتخاب را برای او فراهم کرده است و باید قدر این محیط را دانست. حال تصور کنید خریداری، وارد بازارچه ای شد که در آن جز تعداد اندکی مغازه نیست او دیگر طیف وسیع انتخاب را ندارد، او دیگر نمی تواند جور ترین و صحیح ترین جنس را برای خود بیابد و در بازار دانشگاه نیز چنین است. باید توجه داشت اگر در محیط دانشگاه

فرصت های فکری زیاد و قدرت انتخاب جهت گیری آینده برای دانشجو وجود نداشته باشد، چه بسا او به اجبار از تنها مغازه آن تفکر بخرد و به اجبار تن دردهد و چه بسا هیچ نگزیند و از چرخه سازندگی علمی و فکری اجتماع خارج شود.

لازم به ذکر است که هر چه بازارچه ی تفکرات دانشگاه که

موجب پویایی فکری جامعه است بیشتر بدست خود دانشجو گردانده شود خرید از آن مقبول تر است. زیرا حرفی که از دل برآید لاجرم بر دل نشیند.

پس ما اگر می خواهیم بهترین تفکر را بخریم باید ابتدا، بازارچه تفکر را پر رونق کنیم و مغازه های آن که همانا تشکل ها و انجمن ها می باشند را یکی پس از دیگری افتتاح کنیم تا از تک انتخابی جدا شویم و بهترین انتخاب را داشته باشیم چون لازمه ی تکامل، رقابت است.

نکته ای که در اینجا نباید فراموش کرد مغازه هایی هستند که اجناسی را می فروشند که بیگانه است و هیچ سختی با بدنه فکری من و تو ندارد. اجناس این مغازه ها اگر چه زیباست ولی تار و پود آن به غلط بافته شده و به تار عنکبوت می ماند که ما باید قدرت تمیز آن را داشته باشیم.

و در خاتمه اگر می خواهیم بهترین تفکر را بخریم، باید چشمانی باز و گزینه های انتخابی وسیع داشته باشیم.



آرمان گرایان



انجمن های دانشجویی

دوران دانشجویی را می توان پر انرژی ترین و مهمترین دوران زندگی انسان دانست. دورانی که در آن جوان از اجتماع کوچک مدرسه وارد اجتماع متعادل و بزرگ دانشگاه می شود و تحت تأثیر شدید محیط اطرافش قرار دارد. دانشگاه محلی است که حتی به کوچکترین تغییرات بیرون و درون خود واکنش نشان داده و فرد را برای ورود به عرصه سازندگی فکری و صنعتی جامعه آماده می نماید.

دانشگاه را بنا به تعریف آن باید محلی برای تبادل آزاد تفکرات دانشجویی دانست که در همه ی زمینه ها چه

علمی چه مذهبی و چه سیاسی و .. بستری می سازد تا این تبادل اندیشه صورت گیرد. حال دانشجوی تازه وارد شده به این عرصه که در دوران جوانی به سر می برد و طبق خاصیت این

دوره در اوج آرمانگرایی ست از این تفکر موجود در عرصه های مختلف بنا به استعداد و علاقه خویش می خواهد برترین را برگزیند و شخصیت آینده خود را تکمیل کند شخصیتی که از آغاز نوجوانی شروع به شکل گیری کرده و اکنون به دنبال آخرین تکه های خود یعنی استراتژی های آینده می گردد. دانشجو در این گرداب عقاید و نظرات دست و پا می زند و به همه چیز چنگ می اندازد تا شاید به ساحل نجات صاحب نظر بودن برسد.

اما در دانشگاه هر جمع متفکر همراستا، برای خود گروهی را تشکیل می دهد و در قالب هایی با عناوین انجمن، تشکل و غیره قصد در تبیین افکار خود را دارد می خواهد تعداد بیشتری را به راهی که از نظر او صحیح است بکشاند، تمام این تفکرات و عقاید که می تواند در هر زمینه ای باشد ممکن است در جای خود درست باشد. مثال: آنرا می توان به بازار چه ای دانست که هر قشر و هر صنفی قصد در فروش اجناس خود را دارد با این تفاوت که این جا تفکر به فروش می رسد و عقیده رد و بدل می شود و دانشجو خریداری ست که در این بازارچه

تقدیم به مادر عزیزم

دختر زنگی را ورق می زنی و در برگ هفتم به یار تو می افتم، به یار فاطمه سبزی که با هم داشتیم، باران بود و دشت و تو گفتی آسمان زیباترین شعر هستی ست، به پرواز پرتره ها، به تبسم های بی ریا، حتی به آواز مهبوس قناری ها، سبوری ۴۱ می شور. ساهلست من از درپه دلم به تو گاه می کنم. همانها که می شور دوباره برای رسیدن به تو اوج بگیرم و پند شافه حس عاشقانه تقدیم تو کنم... تا برانی که هنوز هم در بهاری ترین لفظه ها به تو می انزیشم. ای قایق احساسم، خال حافظ و سیب سرخ تقدیم تو باز. وقتی غصه ها آتقدر قدرت یابند که بتوانند، قایق لبانت را به کل بنشانند، آنگاه تمام موجوداتی را که معنای عشق را می دانند بسج فواعم کرد تا که تو را به سوی اقیانوس حرکت دهند. دلم می فواهر همه شقایق های دنیا را جمع کنم، باسهای سپید و مریم های فوشبو را دستم کنم و روی تاقچه ی اتاقم بگذارم. می دانم که، عاشق کلهای، پشمانم را می بندم و با عطر کلهای، فاطرات مهربانی هایت و همه لفظات زیبای با تو بودن برایم تراعی می شود.

« فاطمه عابد گیلانی _ اقتصاد ۸۵ »

واعظ طبسی: در هیچ جای دنیا به اندازه ایران فضای آزاد انتخاباتی وجود ندارد

نماینده ولی فقیه در خراسان و تولیت آستان قدس رضوی گفت: انتخابات، نماد و مظهر جمهوری و اسلامیت نظام است. به گزارش گروه دریافت خبر خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) آیت الله عباس واعظ طبسی در دیدار با اعضای هیات نظارت بر انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی در استان خراسان رضوی و مشهد افزود: مردمی که در انتخابات شرکت می‌کنند، هم به قصد عبادت می‌آیند و هم به این نیت که در برابر قدرت‌هایی که نظام اسلامی را هدف قرار داده‌اند نشان دهند که حامی نظام بوده و با آن ارتباط عاطفی و بنیادی دارند.

وی ادامه داد: حضور گسترده مردم به عنوان پشتوانه مردمی نظام در هر انتخاباتی جلوه‌گر شود، در اقتدار ایران اسلامی در صحنه سیاسی دنیا و وضع قوانین و مقررات، ملاک‌ها و معیارهای منطبق بر اسلام، تاثیر خود را خواهد گذاشت.

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان این که " در هیچ جای دنیا به اندازه جمهوری اسلامی ایران فضای آزاد انتخاباتی وجود ندارد "

گفت: باید تلاش کنیم شرایطی ایجاد شود تا همه کسانی که خودشان را واجد شرایط می‌دانند و از ارتباط اصولی و منطقی با نظام و رهبری برخوردار هستند، احساس کنند می‌توانند در انتخابات حضور یابند.

وی افزود: گرچه همواره فشارهایی بر شوراهای نظارتی بوده، ولی نباید در برابر این فشارها تسلیم شد، در این رابطه می‌توان از مردم کمک گرفت تا مهر تایید خود را بر پای برنامه‌های بزنند که فقهای عادل برای نظام اسلامی تدوین کرده‌اند.

واعظ طبسی اظهار کرد: در عین حال معتقدیم اطلاعات مردم ما نسبت به دیگر جوامع و کشورها جلوتر و قدرت تحلیل‌شان از آن‌ها بالاتر است، اما گاهی انسان دچار ابهام می‌شود، لذا باید یک کار روشن فرهنگی و تبلیغاتی انجام گیرد تا هم احساس مسوولیت مردم بالاتر برود و هم این که با مطالعه بیشتری در انتخابات حضور یابند.

وی افزود: ایمان به خدا و برخورداری از ارتباط عمیق فکری و عاطفی با نظام و رهبری جامعه، توجه به مصالح ملی و نظام، تلاش در جهت رفع مشکلات و نیازهای جامعه، باز کردن راه برای برداشتن گام‌های بلند در زمینه‌های مختلف و امتثالهم، از مهمترین فاکتورهایی است که باید در انتخابات افراد به آن‌ها توجه کرد.

واعظ طبسی افزود: نباید فکر کرد جریان اصولگرایی را مجموعه خاصی به ارث برده‌اند و تنها چند نفر هستند که در این قالب می‌گنجند و نباید احساس شود که ارتباط با رهبری و نظام اسلامی در انحصار چند نفر است، بنابراین هرکس که قانون اساسی را قبول دارد و در ارتباط فکری و عاطفی او با رهبری تردیدی نیست و به مسائل فکری، فرهنگی، ارزشی و ملی و عزت و سربلندی نظام اسلامی توجه دارد، یک اصولگرا است و صلاحیت اداره امور کشور را دارد.

وی افزود: با این سطح اطلاع و هوشمندی مردم همه باید احساس کنند راه برای اصولگرایی به معنای واقعی کلمه باز است و می‌توانند به عنوان نمایندگان مردم بیایند و خط و مشی‌ها را به عنوان تدوین قوانین اصولی مشخص کنند.

نماینده ولی فقیه در خراسان تصریح کرد: از طرفی باید نسبت به جریان‌هایی که در برابر نظام قرار

کروبی: خالی بندی اصلاح طلبان، بیچاره مان کرد

خبرگزاری انتخاب: کروبی گفت: من که به دنبال رییس حزب شدن نیستم و نمی‌خواهم برای همیشه دبیر کل حزب باشم، دبیر کلی حزب که برای من مطرح نیست، من می‌خواهم اگر یک اندکی آبرو دارم این را بگذارم و کار حزبی را در این کشور جا بیندازم، چرا که تا کار تشکیلاتی و حزبی جا نیفتد، دمکراسی تحقق واقعی نمی‌یابد. مهدی کروبی دبیر کل حزب اعتماد ملی گفت: اساسی‌ترین حق اصلاحات، رای مردم است که باید محترم شمرده شود.

کروبی در خصوص حوادثی که منجر به عدم موفقیت جنبش اصلاحات در سالهای اخیر شد اظهار داشت: در آن مقطع زمانی به جای همدلی و همکاری هر کس حرفی برای خود می‌زد و به عده‌ای که حرف خروج از حکومت را می‌زدند بارها از رادیو صدا زدم و گفتم که شما اهل خروج از حکومت نیستید و خالی می‌بندید و این خالی بندی فردا آبروی ما را می‌برد و متوجه می‌شوند که ادعای تو خالی است اما توجه نکردند، همین مساله ما را بیچاره کرد. دبیر کل حزب اعتماد ملی افزود: ما نمی‌خواهیم کاری کنیم که تفرقه ایجاد شود، ما به این نتیجه رسیده‌ایم که کار اگر تشکیلاتی نباشد، پیروزی هم حاصل شود باز همه چیز به هم می‌خورد و اگر کار تشکیلاتی شود هر کس حق ندارد برای خودش کاری کند، من که دبیر هستم حق ندارم هر کاری که خودم می‌خواهم بکنم.

کروبی گفت: همین‌هایی که امروز دنبال ائتلاف هستند و برای ائتلاف خودکشی می‌کنند در انتخابات قبلی هر کارشان می‌کردیم که بیایید جلسه بگذاریم و بحث کنیم که کارها را چگونه پیش ببریم و ببینیم چه باید بکنیم، در جلسه حاضر نمی‌شدند.

شمقذری، مشاور هنری احمدی نژاد: احمدی نژاد با

ساخت فیلمش توسط الیور استون موافقت کرده است

مشاور هنری رییس جمهور در خصوص این که چرا بودجه‌های عمرانی صرف ساختار سازندگی فرهنگی نمی‌شود، بیان کرد: در حوزه فرهنگ مشکل بودجه وجود ندارد، مشکل ما طرح، برنامه، فکر و اندیشه‌ی غالب بر این حوزه است. تفکر و زیربنایها باید تغییر پیدا کند.

او در پایان در پاسخ به علت مخالفت خود با ساختن فیلم مستندی در مورد احمدی نژاد که «الیور استون» پیشنهاد آن را داده است افزود: خود کاسترو درباره ی فیلمی که استون در خصوص او ساخته است، شکایت دارد؛ چرا که شیطنتهایی در ساخت این فیلم صورت گرفته است به طورمثال درحالیکه در آمریکای لاتین، گرسنگی معضل بزرگ است بارها صحنه‌ی غذا خوردن و صحبت کردن کاسترو تکرار می‌شود که در ذهن مخاطب تاثیر بد می‌گذارد علاوه بر آن فیلم‌های اخیر او نیز مشکل دارد. با وجود این تصمیم نهایی را به خود احمدی نژاد واگذار کرده‌ایم که او موافقت کرده است. از استون خواسته‌ایم به ایران بیاید و مذاکراتی در این خصوص انجام گیرد که به نظر ما پیروز نهایی احمدی نژاد خواهد بود.

زنان را به ورزشگاهها راه ندهیم؛ حتی

اگر محروم شویم!



آفتاب: یک عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تصریح کرد: «اگر بنده کارهای بوم، اجازه ورود زنان به ورزشگاهها را تحت هیچ شرایطی صادر نمی‌کردم. حتی اگر این امر باعث می‌شد فوتبال ایران از حضور در مجامع بین‌المللی محروم شود».

«سیدرضا اکرمی» در واکنش به نامه فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) به ایران مبنی بر لزوم لغو هرگونه تبعیض علیه زنان در مجامع ورزشی به

خبرنگار آفتاب گفت: «هرگاه در غرب اجازه ازدواج به کشیش‌ها، کاردینال‌ها، اسقف‌ها و زنان راهبه اعطا شد، ما هم اجازه خواهیم داد تا زنان به ورزشگاه‌ها بیایند».

وی افزود: «مجامع غربی به دنبال رفع تبعیض نیستند؛ آنها به دنبال بهانه گیری الکی هستند».

اکرمی گفت: «در ایران تمام اقلیت‌های دینی دارای نماینده در مجلس شورای اسلامی هستند اما جامعه چندمیلیون نفره مسلمانان آمریکا هیچ نماینده‌ای ندارد. حالا ما اهل تبعیضیم یا آنها؟».

وی با بیان اینکه «اساسا ما مسلمانان نگاه غرب

به زن را قبول نداریم»، اظهار داشت: «اگر بنده کارهای بوم، اجازه ورود زنان به ورزشگاهها را تحت هیچ شرایطی صادر نمی‌کردم. حتی اگر



این امر باعث می‌شد فوتبال ایران از حضور در مجامع بین‌المللی محروم شود».

اکرمی با بیان اینکه «نگاه کردن زن به اندام و بدن برهنه مرد حرام است»، اظهار داشت: «هرگز نمی‌توان اجازه داد که یک زن در ورزشگاه‌ها حاضر شود و به بدن برهنه مردها نگاه کند. همانطور که

یک مرد هم حق این کار را ندارد. تعارف که نداریم».

عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز ادامه داد: «این مسئله نه

تنها تبعیض نیست که حتی تکریم زن است».

مهمترین اصل آموزش زوجهای جوان، تقویت دینداری در زوجین است

به گزارش خبرنگار مهر، محمد حسین عبداللهی در دومین همایش کشوری خانه های آسمانی در مشهد افزود: مهمترین اصل در آموزش زوجهای جوان تقویت دینداری در زوجین می باشد زیرا دینداری مایع آرامش و استحکام خانواده است.

مسئول دبیرخانه هماهنگی و نظارت بر کانونهای فرهنگی و هنری مساجد با بیان این مطلب که بیش از ۴۰۰ آیه در خصوص خانواده در قرآن آمده است، اظهار داشت: زوجهای جوان باید سعی کنند از قرآن برای پیشبرد اهداف زندگی خود کمک گرفته، تا بسیاری از اختلافات و ناهنجاری ها که در طول زندگی به وجود می آید، رفع شود.

عبداللهی با اشاره به این موضوع که آموزش در همه مراحل زندگی لازم است اذعان داشت: خانواده های زوجین می توانند بهترین مربیان برای آموزش مهارتهای زندگی به فرزندانشان می باشند.

وی یادآور شد: در زمینه فراگیری مهارتهای زندگی، این آموزش برای هر دو طرف زوجین لازم می باشد که برخی به صورت اختصاصی و بعضی دیگر به صورت مشترک و گروهی برای زوج های جوان برگزار شود.

وی در رابطه با سرفصلهای دوره های آموزشی نیز گفت: سرفصلهای آموزشی باید به گونه ای انتخاب شود که به نشاط و پویایی زوجین کمک کنند.

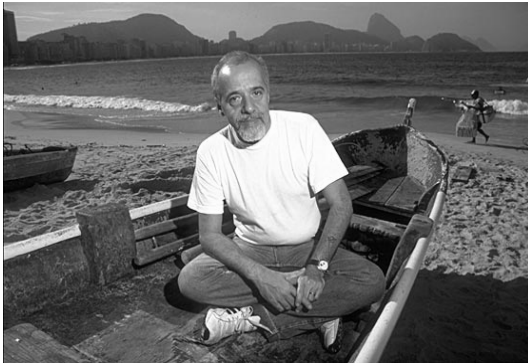
مسئول دبیرخانه هماهنگی و نظارت بر کانونهای فرهنگی و هنری مساجد اظهار داشت: دومین همایش کشوری خانه های آسمانی با شعار "خانواده کانون مهر و محبت است" در حال انجام می باشد و علاوه بر مباحث آموزشی به بحث گردشگری زوجهای شرکت کننده نیز می پردازد.

دومین دوره آموزشی زوج های جوان کانونهای فرهنگی و هنری مساجد با عنوان «خانه های آسمانی» از ۲۱ آذر ماه تا ۲۱ دی ماه در مشهد مقدس با حضور ۳۰۰۰ نفر از سراسر کشور برگزار می شود.



متفاوتی نوشت. «کیمیگر». این کتاب کاملاً نمادین بود. کوئیلو در مصاحبه ای گفت: آن را با الهام از یکی از داستانهای مثنوی مولوی نوشته است. کیمیگر شهرت جهانی برای کوئیلو بدست آورد و در سال ۱۹۹۹ دولت فرانسه نشان لژیون دونور را به او اهدا کرد. یک سال بعد در سال ۲۰۰۰ به ایران و به شهر شیراز سفر کرد. او از طرف مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی دعوت شده بود.

کوئیلو کتابهایش را در زمان کوتاهی بین ۲ تا ۴ هفته می‌نویسد. او معتقد است نوشتن مثل زایمان است، اگر خیلی طول بکشد مادر و فرزند هر دو می‌میرند. می‌گویند



تنها کسی که در برزیل از شهرت و محبوبیت با او قابل مقایسه است رونالدوی فوتبالیست است. آخرین کتاب او بتازگی در ایران ترجمه یافته که راهنمای رزم آور نور نام دارد

بیمارستان روانی بستری شد و بارها تحت درمان الکتروشوک قرار گرفت.

کمی بعد پائولو با گروه تئاتری آشنا شد و همزمان به روزنامه‌نگاری روی آورد. در دهه ۱۹۶۰ رائل سی شاس آهنگساز، از پائولو دعوت کرد تا شعر ترانه‌های او را بنویسد. در سال ۱۹۷۳ پائولو و رائل عضو انجمن دگراندیشی شدند که علیه ایدئولوژی سرمایه‌داری تأسیس شده بود و اعضا به دفاع از حقوق فردی هر شخص پرداختند. پائولو در ۲۷ سالگی با کرسیتینا آشنا شد؛ که این آشنایی منجر به ازدواج آنها گشت.

این زوج برای ماه عسل به اروپا رفتند. پائولو جاده سانتیاگو (یک جاده زیارتی در قرون وسطی) را دید و یک سال بعد از این سفر زیارتی، در سال ۱۹۸۷ اولین کتابش «خاطرات یک مغ» را نوشت. پائولو در سال ۱۹۸۸ کتاب کاملاً

پائولو کوئیلو در سال ۱۹۴۷ در خانواده‌ای



متوسط در برزیل به دنیا آمد. پدرش مهندس و مادرش خانه‌دار بود. در ۷ سالگی به مدرسه عیسوی‌های سن ایگناسو

در ریودوژانیرو رفت و تعلیمات خشک مذهبی تأثیر بدی روی او گذاشت. اگر چه این دوران تأثیر مثبتی هم بر او داشت. در راهروهای آن مدرسه‌ی مذهبی آرزوی زندگی‌اش را یافت، «می‌خواست نویسنده شود».

اما والدین پائولو برای آینده پسرشان نقشه‌های دیگری داشتند و می‌خواستند مهندس شود. اما فشار آنها و بعد آشنایی پائولو با کتاب مدار رأس السرطان اثر هنری میلر روح طغیان را در او برانگیخت. پدرش رفتار او را ناشی از بحران روانی دانست. همین شد که پائولو تا ۱۷ سالگی دوبار در

داستان عشق داستان عشق داستان عشق داستان عشق داستان عشق

دیوانگی فریاد زد درم میام. و اولین کسی را که پیدا کرد تنبلی بود زیرا تنبلی، تنبلی اش آرمه بود یایی پنهان شود و بعد لطافت را یافت که به شاخ ماه آویزان بود، دروغ ته دریاچه، هوس در مرکز زمین، یکی یکی همه را پیدا کرد به یز عشق و از یافتن عشق تا امیر شده بود. هسارت در گوش هایش زمزمه کرد تو فقط باید عشق را پیدا کنی و او پشت بوته گل رز است.

دیوانگی شافه هنگل ماتنری پید ویا شدت وهیبیان زیار آن را در بوته گل رز فرو کرد و دوباره و دوباره تا با صدای ناله ای دست کشید عشق از پشت بوته بیرون آمد در حالی که با دستپاش صورتش را پوشانده بود واز میان انگشتانش قطرات فون بیرون می زد شافه به هشمان عشق فرو رفته بود و او نمی توانست یایی را ببیند او کور شده بود دیوانگی گفت من چه کردم؟ من چه کردم؟ چگونه می توانم تو را درمان کنم؟ عشق پاسخ داد تو نمی توانی مرا درمان کنی اما اگر می فواهی کاری بکنی راهنمای من شو.

و اینگونهست که از آنروز به بعد عشق کور است و دیوانگی همواره همراه اوست.

در زمانهای بسیار قدیم وقتی هنوز پای بشر به زمین نرسیده بود، فضیلت ها و تباهی ها دور هم جمع شده بودند فسته تر و کسل تر از همیشه. ناکهان زکوات ایستار و گفت بیا بید یک بازی بکنیم مثل قایم باشک. همگی از این پیشنهاد شار شدند و دیوانگی فورا فریاد زد من پشم می گزارم و از آتپایی که کسی نمی فواست دنبال دیوانگی بروم همه قبول کردند او پشم بگزارد.

دیوانگی بلوی درفتی رفت و پشم هایش را بست و شروع کرد به شمردن..یک ..دو ..سه همه رفتند تا یایی پنهان شوند. لطافت فود را به شاخ ماه آویزان کرد، فیانت داخل انبوهی از زباله پنهان شد، اصالت در میان ابرها مفقی شد، هوس به مرکز زمین رفت، دروغ گفت زیر سنگ پنهان می شوم اما به ته دریا رفت طمع داخل کیسه ای که فودش درفته بود مفقی شد و دیوانگی مشغول شمردن بود هفتارو نه ... هشتار ... و همه پنهان شدند به یز عشق که همواره مردد بود نمی توانست تصمیم بگیرد و پای تعویب نیست چون همه می دانیم پنهان کردن عشق مشکل است در همین حال دیوانگی به پایان شمارش می رسید نور و پنچ ... نوردوشش. هنگامی که دیوانگی به صد رسید عشق پرید و داخل یک بوته گل رز پنهان شد.

خانه تئاتر دانشگاهیان افتتاح شد

خانه تئاتر دانشگاهیان با حضور محمدباقر خرمشاد معاون فرهنگی و اجتماعی وزیر علوم و محسن اسلامی مدیر کل فرهنگی وزارت علوم هفته گذشته افتتاح شد. به گزارش خبرنگار مهر، عباس اقسامی مدیر خانه تئاتر دانشگاهیان در این مراسم این مجموعه را زیر نظر اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم معرفی کرد که در برنامه‌های خود پشتیبانی علمی، آموزشی و فرهنگی را بر عهده دارد. وی ادامه داد: «خانه تئاتر دانشگاهیان قصد دارد نگرشی علمی به تئاتر ایجاد کند و در این راستا سه شاخصه را دنبال می‌کند که یکی از آنها آموزش است و کارگاههای آموزشی در این راستا برگزار می‌شود. در بخش پژوهش نیز چاپ فصلنامه تئاتر دانشگاهی، کتب مرجع، برگزاری سیمینارهای تخصصی پژوهشی، ایجاد زمینه اجرای عمومی برای فعالان و دانش‌آموختگان این رشته از برنامه‌های ماست.» خرمشاد هم با بیان اینکه با تأسیس یک ساختار دیگر در فضای تئاتر بتوان منشاء ثمرات و افزوده‌های بیشتر به دنیای تئاتر و هنر ایرانی شد، گفت: «باید این اتفاق را در درون مفهوم کلان دانشگاه تمدن ساز که در وزارت علوم مطرح شده قرار دهیم. اگر بحث تمدن را به صورت یک چندضلعی در نظر بگیریم به حتم هنر یکی از اضلاع آن است. در این ساختار همه چیز در خدمت تمدن قرار می‌گیرد.» اسلامی نیز در این مراسم با اشاره به سعی و تلاش کارشناسان تئاتر و دانشجویان برای تولید متون و نمایش‌های ایرانی گفت: «استعدادی که در ایران وجود دارد دارای سطوح استاندارد بین‌المللی است. فضای خانه تئاتر دانشگاهیان فضای همکاری است و در حوزه تئاتر وقتی وحدت بیشتر شود موفق تر عمل خواهد شد.» رحمت امینی، هرمز هدایت، مهدی مکاری، محمدباقر قهرمانی و حمیدرضا افشار از دیگر حاضران در مراسم افتتاحیه خانه تئاتر دانشگاهیان بودند.

طنز و نثریات و دانشجویی

طنز و طنزپردازی از جمله مقولاتی است که در تاریخ ادب و فرهنگ ایران زمین قدمتی بسیار طولانی دارد. بررسی متون ادب فارسی نشان می دهد که ادیبان و شاعران ایرانی در تمام ادوار بخصوص در هنگامی که تحت فشارهای حکومتی قرار داشته اند و یا به لحاظ اجتماعی نمی توانسته اند به صراحت سخن بگویند، قالب طنز و مطایبه را برگزیده اند و طنز را به عنوان یکی از قالب های مهم در بیان عقاید و افکار «انتقادی» پرورانده اند.

با توجه به روحیه دانشجویی که «انتقادی»، «عدالت خواه» و «آرمانگراست» می توان انتظار داشت که نثریات دانشجویی به طنز و طنزپردازی گرایش خاصی داشته باشند و دیدگاه ها و علایق خود را با ویژگی های بالا در قالب طنز ارایه کنند. قالب طنز در نثریات دانشجویی که همان اهداف و وظایف مطبوعات را در جامعه دانشگاهی بر عهده دارند به لحاظ قابلیت های آن در پرداخت غیرمستقیم به مسائل و مشکلات بسیار مورد استفاده قرار می گیرد. طنزهای نثریات دانشجویی اگرچه از یک طرف به لحاظ ویژگی های خاص زندگی دانشجویی، از جمله دورافتادگی از خانواده، احساس گسیختگی و آزادی در انتخاب زندگی، زندگی دسته جمعی در خوابگاه ها، دور افتادگی از متن واقعی زندگی اجتماعی و غیره اندکی تند و حتی پرخاشگرانه به نظر می رسند، اما به لحاظ آنکه این نثریات بهترین مکان برای تجربه اندوزی طنزپردازان جوان هستند باید مورد توجه و تقویت قرار گیرند. طنزهای این نثریات به مسئولان دانشگاهی و حتی کل جامعه نقاط ضعف کارهایشان را نشان می دهد و آنها را بدون آنکه به صورت مستقیم مورد انتقاد قرار دهد، به صورت غیرمستقیم به نقد می کشد و متنبه می سازد.

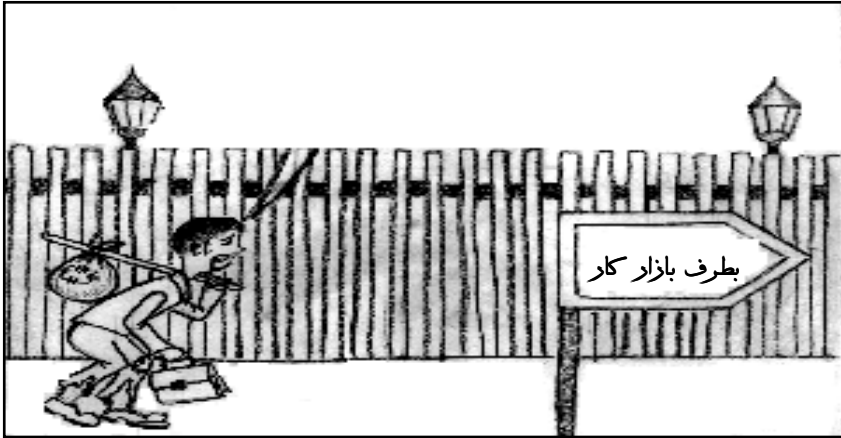
طبق تعریف رایج طنز «بیان انتقاد تلخ با زبانی شیرین، کنایی و خنده آور و منصفانه» می توان دو صفت «جسارت و بشاشت» را در نثریاتی که به زبان طنز با مخاطب رابطه برقرار می کنند، جست و جو کرد که شاید این دو صفت اجزای اجتناب ناپذیر طنز نامیده شوند. می توانید در ذهن خود یک نثریه طنز دانشجویی را پرورش دهید. محور طنزهای دانشجویی اغلب موضوعات جالب توجه جوانان است که عبارتند از سیاست:

که جذابترین موضوع برای دانشجویان است،
- مشکلات صنفی: موضوعاتی نظیر کیفیت بد غذاهای سلف سرویس دانشگاه، مشکل کمبود خوابگاه و...،
- مشکلات جوانان: نبود فرصتهای شغلی، مشکلات مربوط به ازدواج، تهیه مسکن، ارتباط میان دختر و پسر و... عمده موضوعات این دسته از آثار را تشکیل می دهد.

خلاصه کلام اینکه طنز مورد پسند ذایقه عامه است که در آن کلام بی پرده، آتشین و جسور را جست و جو می کند که این موضوع در مورد جوانان با توجه به آزادیخواه بودن آنها بخصوص در فضای تئوریک دانشگاه به اوج خود می رسد.

در پایان اینکه رشد طنز و طنزپردازی در نثریات دانشجویی از آن جهت اهمیت دارد که طنز در صورتی که به «هجو» کشیده نشود می تواند روحیه نقد و انتقاد سالم را در جامعه دانشگاهی ترویج دهد و با توجه به اینکه آزادی قلم و بیان لازمه دموکراسی و از مهمترین آزادی های مدنی است باید پذیرفت که یکی از جوامع مدنی پویا و در عین حال عدالت خواه، دانشگاه و محیط آکادمیک آن است که بدون وجود نثریات قوی و فعال توسعه فرهنگی سیاسی در آن امکان پذیر نیست.

رضا پور ناصرانی : روزنامه ابتکار



آگهی فروش کوزه

دانشجویان ممتزم، تعدادی کوزه به صورت نقر و اقساط به منظور گزاشتن مدرک درون آن همراه با ضمانت بفروش می رسد.

آب مدرک خود را از در کوزه های ما بفورید روابط عمومی کوزه گران غارغ التفصیل



شعر نو

اهل دانشگاه

اهل دانشگاه	روزگارم بد نیست	گاهگاهی واحدی می افتم
تا به قول اساتید قوی پایه شوم	من به آغاز امتحان نزدیکم	
جزوه ها میگیرم تا که زیراکس بزنم	درس باید خواند..... حفظ باید کرد	
دختری ورد قبولی میخواند	پسری کاغذی را به آستر کایشش میدوزد	و کسی را دیدم
کنده کاری میکرد میز را	درس باید خواند..... حفظ باید کرد	نمره ها را زده اند
پیدا بود ۵ و ۱۰	پیدا بود ۲ و یکی هم ۱۱	من به اندازه یک اسپیلون
آرزو میکردم که ۱۲ ترمه شوم	چه خیالی که امیدی عبت است	
درس باید خواند..... حفظ باید کرد	نمره های اندک	آه.... بچه ها در حسرت
حسرت پاس همان درسی که باز هم افتاده اند	بچه ها پخش و پلا	در همه جای حیاط
جمعیت انبوه است بوی مشروطی ها	یک نفر میگیرید.....	و بسی جالب بود که کسی می خندد!
درس باید خواند..... حفظ باید کرد	ای دریغ از پاس یک واحد درس!	
من ندیدم کسی را که خجالت بکشد	یا که استادی؛ نمره دهد مجانی	
آه..... من به یک نمره ۱۰ خشنودم	درس باید خواند..... حفظ باید کرد	
من نمی دانم که	این شبانه با روزانه	چه تفاوتها دارد
من نمی دانم که چرا میگویند	درس باید خواند..... حفظ باید کرد.	

مقاله ای به زبان عربی بررسی انواع دانشجو

الدانشجو هو موجود الدلیل، الذی یسکن فی لانه اسمه الخوابگاه. لا موجود فیہ امکانت الاولیه و آبه یقطع مداوماً و هکذا ماء حارٌ کمیاب فی شیر الآب. الوسایل البارد و الحار (گرمايش و سرمايش) یعمل فی الشتاء (زمستان) و الصیف بالعکس. و هو (الدانشجو) یطعم طعاماً فقط اسمة طعام، شیء نرمتر من السنک، الذی قادرٌ العُبورٌ من الحلقو الی الپابین و الأرویش فی الازدواج شدیدٌ و کثیرٌ و لیکن لا ید(دست) یافتنی و فقط فی الخیال بافی.

الغرض، الدانشجو ثلاث اقسام:

اوله تنبل؛ الذی فی الخواب فی الخوابگاه دائم. دومة عاطلٌ و هو المغرور الزیاده و یحمل دائماً فی دسته کیفٌ جزء العاجب اسمه سامسونیت و معمولاً خالی من اکتاب و الدفتر و القلم و فی الداخله شانه، حوله و زیرشلوار. اما القسم سوم من الدانشجو هو الباطل و المشخصاته چنین: هو لا یدرس (درس خواندن) و لا یخواب و بل یگوش موسیقیات دائو حتی فی الخواب. سرکاره الایشان دائماً مع الشعر و الرمان. الپسران من هذا القسم معمولاً یدودٌ سیگاراً کثیراً. اولنک العاشقون و همیشه لاخیال یا فی الخیال الباطل.

علاوه علی الاینها، اقسام دیگر من الدانشجو موجود، مثل نوع الرب؛ الذی یافت می شود فی الدانشگاه الآزاد البسیار. نوع الدرس خوان الذی نادرٌ مانند الباقوت و نوع دیگر هو الذی البازیجة فی الید (دست) السیاسیون و نوع الآخر من الدانشجو؛ هو بیکارٌ الذی یکتب و ینشر نشریه مثل ال...

ذره بین



ستون ذره بین، همون طوری که از اسمش پیداست قصه داره با دقت زیری مثل ذره بین، اتفاقات و مسائل پیرامون خودش رو بررسی کنه. واسه همین ممکنه چیزی رو ببینه که از چشم فیلی ها پنهون باشه.!!! بهر حال، واسه دست لاف، در اولین حرکت با ذره بین مانا، نگاهی مختصر به یکی، دوتا از نشریات دانشگاه خواهیم داشت و هنر همکاران مطبوعاتی فورمون رو فاصله وار بررسی می کنیم.

راستی دانشجوی عزیز، استار مفرم، مسئول گرامی!!! شاید هفته بعد ذره بین مانا سراغ شما بیار، پس

اولین سوژه ذره بین مانا سوتی برویج نشریه اندیشه آزاد بود که از یک طرف از نداشتن دفتر خاصی برای انجمن اسلامی دانشجویان مستقل شاکی بودن و از طرف دیگه برای نخستین جلسه از سری نشست های شب اندیشه، محل دفتر انجمن اسلامی دانشجویان مستقل رو آدرس می دن!!! (حالا اینکه دفتری دارن یا ندارن، مسئله یست که احتمالاً خودشون می دونن)

دومین سوژه ذره بین مانا باز هم سر از گاهنامه اندیشه آزاد در میاره، البته اینبار در مطلبی با عنوان تحلیل شما غلط است، نویسنده ای که با نام "ورودی ۸۲ برق" این مطلب را نوشته، به ذکر نشدن نام نویسنده ی مطلبی در شماره چهارم این نشریه ایراد گرفته. (غافل از اینکه حالا آن نویسنده ناشناس نشریه شماره ۴ در به در دنبال نویسنده ناشناس این نشریه (ورودی ۸۲ برق) می گرده تا با هم گفتگوی رودرو داشته باشن!!!!)..... (لطفاً پرتغال فروش را پیدا کنید!!)

آخرین سوژه مطبوعاتی این هفته ی ذره بین مانا، کیفیت چاپ عالی گاهنامه آوای کویر بود که جای تبریک داشت. البته امیدواریم این کیفیت همیشه ادامه داشته باشه و فقط تا زمانی که "میدونم" نباشه!!

"با آرزوی موفقیت برای تمامی همکاران نشریاتی"



عکس: علی نجاری

مروری بر دیگر نشریات دانشجویی ...

پنجره : در صفحه ی اول بیستمین شماره این نشریه مطلبی در خصوص پرونده جاسوسی موسویان و اظهار نظر حسن روحانی با تیتیر احمدی نژاد باید تویه کند، به چاپ رسیده. یکی دیگر از صفحات این نشریه به پرسش و پاسخ بین مسوولین نشریه پنجره و یکی از اعضای انجمن اسلامی اختصاص داده شده. همچنین در این شماره موضوع جنبش دانشجویی با قلم نیما نامداری و ابراهیم اسکافی مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر این در صفحه ای سینمایی این هفته نامه، مسعود هدایتی پور اینبار به معرفی چند فیلم با ژانر درام پرداخته. نکته ی قابل توجه پنجره، اختصاص ویژه نامه ی برای روز جهانی داستان کوتاه ست که به همین منظور فراخوانی برای این ویژه نامه در بیستمین شماره پنجره منتشر شده است.

آوای کویر : خیر ضرب و شتم یکی از دانشجویان به دست مأمور راهنمایی و رانندگی در صفحه ی اول این نشریه ی قومیتی دانشجویان سیستمی به چاپ رسیده است. در صفحه ی دوم این نشریه معرفی مختصری از دکتر میرزایی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بعنوان یکی از چهره های موفق سیستان دیده می شود. همچنین با توجه به قومیتی بودن این گاهنامه، مطالبی نیز با عناوین غذاهای محلی و آداب و رسوم ازدواج مردم سیستان نیز به چشم میخورد. از نکات قابل توجه این نشریه می توان به مقاله ای با تیتیر یعقوب لیث، رابین هود سیستان، در دومین صفحه ی آن اشاره کرد.

قلم انجمن : این خبر نامه در حالی که در صفحه ی اول خبر از سه ساله شده این نشریه داده است، مقاله ای نیز با تیتیر تنگی که افتخار شد با استاد به گزارش سازمان های امنیتی و اطلاعاتی آمریکا مبنی بر کنار گذاشتن فعالیت های مخفی نظامی و امنی ایران، به چاپ رسانده است. در صفحه ی صنفی این نشریه، مطلبی با عنوان گدای حق خویش در رابطه با اوضاع بد سلف سرویس دانشگاه سیستان و بلوچستان و مقایسه ی برنامه ی غذایی آن با برنامه ی غذایی دانشگاه شیراز دیده می شود. همچنین گلایه ی دست اندرکاران این نشریه مبنی بر تعطیلی همایش دانشجویی بیداری از مطالبی ست که بطور کامل در شانزدهمین شماره قلم انجمن به آن پرداخته شده است. در صفحه ی فرهنگی این خبرنامه نیز مقاله ای با عنوان نگاهی متفاوت به وضعیت بلوچستان با قلم نورمحمد حسینی به چاپ رسیده است، عکس های از شیرآباد زاهدان و یکی از مناطق فقیر نشین بلوچستان نیز در این صفحه به چشم می خورد.

نسل فریاد : این دوهفته نامه دومین شماره خود را بطور کامل به موضوع سانسور و تاریخچه ی آن اختصاص داده است. مطالب گوناگون با موضوع سانسور در این شماره مکرراً به چشم می خورد. مصاحبه با دکتر ناصر، معاونت امور فرهنگی، دانشجویی دانشگاه، مهمترین قسمت دومین شماره نسل فریاد است.

دانشنامه

کارد میوه خوری، نوشته ی مایکل آپنهایم

با همسرم مشغول نظافت خانه مان بودیم که زیر یخچال یک کارد پیدا کردم. کارد میوه خوری کوچکی بود که سال ها پیش گمش کرده بودیم و دیگر از یادمان رفته بود. کارد را به همسرم نشان دادم و او گفت: «وای! کجا پیداش کردی؟» بعد از این که گفتم کجا، کارد را گذاشت روی میز و بعد رفت اتاق بغلی و دوباره مشغول نظافت شد. همان طور که داشتم کف آشپزخانه را تمیز می کردم یاد اتفاق چهار سال پیش افتادم که باعث شد کارد برود زیر یخچال.

شام مفصلی خورده بودیم و رفتیم که بخوابیم. فکر کردیم با هم خلوت کنیم، اما پیشامدی شد و با هم حرفمان شد. تا آن لحظه در اینچنین موقعیتی قرار نگرفته بودیم. هر دو مان پاک عصبانی شدیم. به همسرم حرف هایی زدیم که خیلی رنجاندش. توی تخت لگدی به من زد و من بلند شدم و رفتم توی آشپزخانه. کورمال کورمال دنبال یک صندلی گشتم و نشستم. خواستم دست هایم را تکیه بدهم به میز و بعد سرم را تکیه بدهم به دست هایم. اما حس کردم ظرف های کثیف روی میز نمی گذارند. از کوره در رفتم. هر چه روی میز بود با یک حرکت دست ریختم زمین. صدایش مهیب بود، اما بعدش سکوت محض بود و یکدفعه حال بدی بهم دست داد. فکر کردم همه چیز را نابود کرده ام. بسیار از کارم پشیمان شدم. همسرم آمد توی آشپزخانه و پرسید حالم خوب است. گفتم: «بله.» چراغ را روشن کرد و نگاه کردیم به کف آشپزخانه. آن چنان چیزی نشکسته بود، اما زمین حسابی کثیف بود. هر دو خندیدیم و بعد برگشتیم توی اتاق خواب و صبح فردایش کثیفی ها را تمیز کردیم، اما کارد را ندیدیم.

می خواستم از همسرم بپرسم آن ماجرا یادش هست یا نه که از اتاق بغلی آمد و بدون کلمه ای حرف کارد را از روی میز برداشت و باز سرش داد زیر یخچال.

درج آرا و نظرات مختلف در این مجموعه به معنای تایید آن از سوی مسوولین نشریه نمی باشد. خوانندگان محترم می توانند عکس، آثار و یا مطالب خود را از طریق پست الکترونیک: www.usbmana@gmail.com و یا وبلاگ: www.usbmana.wordpress.com برای چاپ در نشریه ارسال نمایند. قطعاً مطالب ارسالی پس از بررسی، با ذکر نام اشخاص به چاپ خواهد رسید.

شماره ارسال، نامه کوتاه: ۰۹۱۵۹۴۹۴۱۹

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: امیر عباس نصیرآبادی

سر دبیر: جلیل میری

صفحه آرایی: سالار بابایی

ویراستار: سها بابایی

کاریکاتور: فاطمه کیخا

همکاران این شماره: فاطمه عابد کیخا، هادی رخشانی،

عزیز دهمرده، مهدی خمری، مجید خمری